

وزارت نیرو بخشی از وظایف مدیریت منابع آب را به شکل‌های بهره‌برداران می‌سپرد

واگذاری مبهم مدیریت آب

- الموتی، کنشگر محیط زیست: این طرح پوششی برای کاهش تبعات اجتماعی راه‌اندازی بازار آب است
- اشتیاقی، پژوهشگر حوزه آب: بدون توازن قدرت، حکمرانی مشارکتی به ایجاد نهادهای ویتیرینی محدود می‌شود
- سخنگوی صنعت آب: تعیین میزان برداشت و تقسیم آب همچنان حاکمیتی است

شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل‌ونقل کشور از کربدور جدید در جاده الموت.کلاچای خبر می‌دهد؛ محیط زیست و منابع طبیعی از نبود گزارش ارزیابی و مجوز جدید می‌گویند

دوده تلاش برای ساخت جاده بدون ارزیابی

| اطلاع رسانی |

خشت اول روی زمین سبز

«پیام ما» ماجرای جانمایی مدارس جدید تهران را بررسی می‌کند

اعتراض صنفی شکایت قضایی

«پیام ما» از اعتراض صنفی پرستاران یک بیمارستان تهران که با پرونده قضایی مواجه شده‌اند، گزارش می‌دهد

قصه به کوه جفتان رسید

روایت اهدای ۱۰۰ جلد کتاب به کودکان آبادی‌های سخت‌گذر کرمان

| یادداشت |

وقتی راه‌حل مدیریت شهری حصارکشی است

اعلی‌رضا فرسایلی | امعمار |



| یادداشت |

طلاسازان معضلی تازه برای سنگلج

امهدی گوهری | مدیرانجمن سنگلج |



وقتی راه‌حل مدیریت شهری، حصارکشی است

اعلی‌رضا فرسایلی | امعمار |



از دید یک معمار یا شهرساز حصارکشی تئاتر شهر یا هر فضای باز شهری، تنها یک خطای اجرایی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از نبود درک و فهم طراحی شهری است. شهر فقط مجموعه‌ای از ساختمان‌ها نیست که هرکدام را جداگانه مدیریت کنیم. مسیر پیاده، میدان، محل مکث، فضای سبز، ورودی ساختمان‌ها و حتی نحوه دید‌شدن یک بنا، همه در کنار هم به شهر معنا می‌دهند. وقتی این ارتباط‌ها را قطع می‌کنیم، بخشی از چشم‌های شهر را هم از بین می‌بریم.

شهر امن، شهری نیست که در آن دیوار و نرده بیشتری وجود داشته باشد؛ بلکه شهری است که مردم در آن حضور داشته باشند، مسیرهای پیاده خوانا و فضاهای عمومی فعال باشند و فعالیت‌های مختلف امکان دیده‌شدن و کنترل طبیعی داشته باشند. دیوارها و حصارها آسیب‌ها و معضلات اجتماعی را حل نمی‌کنند، فقط آن‌ها را جابه‌جا می‌کنند. تجربه و مشاهدات شهروندان در همین محدوده تئاتر شهر نیز نشان داده است که با محدود شدن فضای پیرامونی، بخشی از فعالیت‌هایی که پیش‌تر در فضای باز اطراف مجموعه جریان داشت، به نقاط دیگری منتقل شده و دستفروشی و فعالیت‌های غیررسمی در فضاهای باقی‌مانده و حاشیای تشدید شده است. این حصار دقیقاً نتیجه‌ای معکوس ایجاد کرده؛ فضای عمومی را خرد کرده، دید و منظر شهری را کور کرده و نقاط بی‌دفاع بیشتری به وجود آورده است. از سوی دیگر، این حصار به خود بنا نیز تعرض کرده است. تئاتر شهر به‌عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین آثار معماری معاصر ایران، نیازمند رابطهای سنجیده و محترمانه با فضای پیرامون خود است. قرار نیست بنایی با چنین جایگاهی پشت یک جداره بصری قرار بگیرد تا بتوانیم بگوییم از آن حفاظت کرده‌ایم. حفاظت از معماری فقط حفاظت از آجر، بتن و سازه نیست. حفاظت از بنا باید در تعامل با شهر و شهروندان باشد و جایگاه بنا را تقویت کند. اگر قرار باشد برای حفاظت از یک اثر معماری، رابطه آن را با شهر قطع کنیم، باید پرسید دقیقاً از چه چیزی محافظت کرده‌ایم؟

در شهر مدرن، فضای عمومی متعلق به شهروند است. خیابان، میدان، پارک و پیاده‌راه فقط مسیر عبور نیستند؛ عرصه‌هایی برای حضور، مکث، گفت‌وگو، تماشا، خرید، اعتراض، هنر و حتی اختلاف‌اند. شهر زنده، شهری نیست که همه‌چیز در آن مرتب، کنترل‌شده و بی‌مسئله باشد؛ شهری است که بتواند تضادها و تفاوت‌ها را در خود تحمل و مدیریت کند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

اگر قرار باشد یک معمار یا شهرساز از میان تمام اتفاقاتی که در سال‌های اخیر در تهران گذشت، تصویری را به‌عنوان نماد مدیریت شهری انتخاب کند، شاید چیزی گویاتر از حصارکشی که دور تئاتر شهر کشیده شده است، نباشد. حصارکشی که قرار بود حریم یک بنای فرهنگی را حفظ کند، اما در عمل بخشی از فضای عمومی شهر را نابود کرد، مسیر حرکت عابران را محدود کرد، کیفیت بصری یکی از مهم‌ترین نقاط شهری تهران را کاهش داد و حتی در اطراف خود، فضاهایی تازه برای استقرار دستفروشان و فعالیت‌های شبانه‌بی‌سامان ایجاد کرد.

برای من، به‌عنوان یک معمار، مسئله فقط خود این حصار نیست. چیزی که بیشتر از همه نگران‌کننده است، نوع نگاه به شهر است؛ اینکه وقتی با مسئله‌ای مواجه می‌شویم، اولین راه‌حل، بستن و جدا کردن فضاها باشد.

مجموعه تئاتر شهر سال‌ها به‌عنوان یک گره شهری و فضایی برای تعاملات اجتماعی به فعالیت خود ادامه داده بود. اساساً این مجموعه، ساختمان منفردی نیست که بتوان با ترسیم خط و مرز برای آن حریم تعریف کرد. معماری تئاتر شهر به‌خصوص با فرم دایره‌ای و ارتباطش با فضای پیرامونی، بخشی از هویت این میدان شهری است. در واقع، بخش مهمی از ارزش این بنا در رابطه و تعامل آن با شهر و شهروندان شکل گرفته است. به همین دلیل، وقتی فضای اطراف آن را جدا می‌کنیم، فقط مسیر عبور مردم را تغییر نداده‌ایم، بلکه بخشی از معنای این بنا را هم تغییر داده‌ایم.

در تعاریف معماری و شهرسازی، حریم لزوماً با حصار و دیوار تعریف نمی‌شود. گاهی یک مسیر پیاده، باغچه، فضای سبز و جانمایی کاربری‌های خاص می‌تواند حریم یک ساختمان را تعریف کند. حریم موفق، شهروند را از یک بنا یا فضای شهری دور نمی‌کند، بلکه ارتباطی قوی و سالم میان شهروند و بنا ایجاد می‌کند.

اما متأسفانه در شهرداری تهران با مدیریت «علیرضا زاگانی»، سادترین پاسخ همیشه بهترین پاسخ است. ساخت حصار و دیوار، پاسخ شهرداری تهران برای حل هر مشکلی است.

آگهی مناقصه عمومی دومرحله‌ای

به همراه ارزیابی فنی و بازرگانی پروژه خرید مصالح، تجهیزات و انجام عملیات بهسازی، تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها و محوطه‌ها و شبکه روشنایی معابر و تأسیسات مکانیکی و برقی شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر

شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر در نظر دارد، پروژه خرید مصالح، تجهیزات و انجام عملیات بهسازی، تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها و محوطه‌ها و شبکه روشنایی معابر و تأسیسات مکانیکی و برقی خود را به شرکت‌های پیمانکاری ذیصلاح دارای حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه و دارای سوابق مرتبط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید، جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ به آدرس www.ggz.ir مراجعه نمایند.

- ۱- آخرین زمان ارائه پاکت‌ها و پیشنهادات: ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
- ۲- شرکت، در قبول یا رد پیشنهادات مختار است.
- ۳- سپرده شرکت در مناقصه: ۱۴/۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (چهارده میلیارد و پانصد میلیون ریال)
- ۴- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- ۵- کلیه مشخصات لازم در اسناد مناقصه ذکر گردیده است.
- ۶- تاریخ بازدید از پروژه: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ راس ساعت ۱۰ صبح

مدیریت حقوقی و قراردادها شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر

وزیر صمت در استان کرمان؛ از کارخانه و نیروگاه تا جاده و فرودگاه

روایت یک سفر برای توسعه مس ایران



سفر سید محمد اتابک به استان کرمان، فقط به افتتاح چند پروژه محدود نشد؛ از کارخانه‌ای که سالانه ۳۶ هزار تن کنسانتره به ظرفیت تولید می‌افزاید تا نیروگاهی برای تأمین برق، خط ریلی برای ارتقای بهره‌وری، ورزشگاهی برای مردم و فرودگاهی که دوباره به مدار پرواز باگشت؛ تصویری از توسعه‌ای که قرار است زنجیره مس را از تولید تا زیرساخت‌های پیرامونی به هم متصل کند.

پنجشنبه پنجم شهریورماه، هم‌زمان با هفته دولت، سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، در سفر به استان کرمان در شهرستان‌های شهرابک و رفسنجان حضور یافت؛ سفری که به پروژه‌های شرکت ملی صنایع مس ایران اختصاص داشت و شش طرح در حوزه‌های تولید، انرژی، حمل‌ونقل، ایمنی و مسئولیت اجتماعی، با دستور رئیس‌جمهور به بهره‌برداری رسید.

اتابک در جریان این سفر توسعه زیرساخت‌ها را بخشی از مسیر تکمیل زنجیره ارزش مس دانست و با تقدیر از راهبری امیدپرو و مجموعه شرکت ملی مس، بر اهمیت طرح‌هایی تأکید کرد که علاوه بر افزایش ظرفیت تولید، گلوگاه‌های زیرساختی صنعت را نیز هدف قرار داده‌اند.

نقطه آغاز این زنجیره، تولید بود. کارخانه فلوتاسیون سرباره خاتون‌آباد با سرمایه‌گذاری ۹۵ میلیون یورو به بهره‌برداری رسید؛ طرحی که سالانه ۳۶ هزار تن کنسانتره به سید محصولات شرکت اضافه می‌کند و به گفته وزیر صمت، ارزش درآمندی بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در سال خواهد داشت. این پروژه همچنین برای





ایستگاه‌های اجتهادی

«پیام ما» از اعتراض صنفی پرستاران یک بیمارستان تهران که با پرونده قضایی مواجه شده‌اند، گزارش می‌دهد

اعتراض صنفی، شکایت قضایی

ا پیام ما | پرستاران بیمارستان فیاض‌بخش تهران ماه‌هاست مطالبات صنفی خود را از مسیر نامه‌نگاری و اعتراض‌های محدود صنفی پیگیری می‌کنند. اما آنچه با درخواست برای بهبود شرایط کاری و معیشتی آغاز شد، اکنون برای شماری از آنها به لغو قرارداد، احضارهای انضباطی و تشکیل پرونده قضایی با اتهام «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی» انجامیده است. به گفته پرستاران معترض، این رخدادها با ماهیت صنفی اعتراض‌هایشان فاصله دهد.

پرستاران بیمارستان فیاض‌بخش تهران که از ابتدای دی‌ماه سال گذشته نسبت به برخی مسائل صنفی معترض بودند، اکنون با احضار به دادگاه مواجه شده‌اند. به گفته پرستاران معترض، برخی از مسئولان بیمارستان و حراست ادارکل درمان تهران سازبان تأمین اجتماعی که‌از ابتدا قول‌هایی برای رفع مشکلات صنفی آنها داده بودند، درصدد برخورد‌های سلبی باین مطالبات برآمده‌اند.

آغاز اعتراض

«افزافه‌کاری اجباری، پایین بودن دستمزد اضافه‌کاری، کمبود نیروی انسانی و افزایش تعداد شیفت‌ها، مجموعه‌ای از مشکلات بود که ما را واداشت در قالب یک نامه، رفع آنها را از مسئولان سازمان تأمین اجتماعی بخواهیم.»

این گفته یکی از پرستاران این بیمارستان است که در گفت‌وگو با «پیام ما» وضعیت اعتراض‌های صنفی خود و همکاری‌اش را تشریح می‌کند. به گفته او، در مقطعی گروهی از پرستاران با تشکیل یک گروه مجازی، درباره وضعیت کاری و معیشتی خود

گفت‌وگو کردند. نتیجه این گفت‌وگوها، تهیه نامه‌ای درباره مطالبات صنفی و طرح آن در جلسه‌ای در سالن اجتماعات بیمارستان با حضور مسئولان سازمان تأمین اجتماعی، حراست سازمان و مسئولان بیمارستان بود؛ «در جریان این جلسه، نحوه طرح مطالبات با حساسیت حراست مواجه شد. پس از آن، تماس‌هایی با برخی کارکنان رقرار شد و درباره حضور در این اعتراض‌ها به آنها هشدار داده شد.»

این پرستاران ادامه می‌دهد: «به‌رغم این تهدیدها، تجمعی محدود و صنفی در بیمارستان شکل گرفت و مطالبات مطرح‌شده عمدتاً در قالب مسائل معیشتی و شرایط کاری بود. درخواست‌های پرستاران معترض در چارچوب امکانات بیمارستان و سازبان تأمین اجتماعی قرار داشت و خواستهای خارج از ظرفیت مجموعه مطرح نشد. در نهایت نیز با توجه به شرایط جنگی، پیگیری مطالبات برای مدتی متوقف شد.»

استعفاي دسته جمعی

پس از آتش بس و آرام شدن شرایط کشور، پرستاران بیمارستان

فیاض‌بخش بار دیگر پیگیر نامه مطالبات خود شدند، اما به گفته آنها پاسخ مشخصی دریافت نکردند. برخی مطالبات معوق نیز در این مدت پرداخت شد، اما این پرداخت‌ها از نگاه کارکنان، تغییر محسوسی در شرایط کاری آنها ایجاد نکرد.

در ادامه، در گروه مجازی پرستاران بار دیگر موضوع پیگیری مطالبات مطرح شد. این بار نامه‌ای با عنوان استعفاي دسته‌جمعی تهیه و به بیمارستان ارائه شد. اگرچه تعداد دقیق امضاکنندگان این نامه مشخص نیست، اما براساس روایت برخی پرستاران، بیش از ده نفر از کارکنان با پیامدهای مختلف این اعتراض‌ها، مانند لغو قرارداد، جابه‌جایی محل خدمت و ارجاع به کمیته‌های انضباطی، مواجه شدند.

آغاز برخورد‌های ععیب

به گفته یکی دیگر از پرستاران این بیمارستان، در روزهای هفتم تا دهم مرداد جمع‌هایی در محوطه بیمارستان شکل گرفت؛ «این تجمع‌ها محدود، مقطعی و بدون شعار سیاسی بود و در روند ارائه خدمات درمانی اختلالی ایجاد نکرد. پرستاران در نزدیکی ورودی بیمارستان حضور داشتند و هم‌زمان با تجمع، فعالیت‌های حرفه‌ای خود را ادامه می‌دادند. حتی در زمان حضور آنها، ورود آمبولانس‌ها و بیماران به اورژانس ادامه داشت و ادعای ایجاد اختلال در خدمات درمانی از سوی معترضان، با تصاویر دوربین‌های بیمارستان و اطلاعات ثبت‌شده در سامانه تریاز قابل بررسی است. در این روزها مسئولان حراست در محل حضور داشتند، اما به گفته کارکنان، هیچ مقام مسئولی برای گفت‌وگوی مستقیم با معترضان حاضر نشد. در نهایت نیز بدون آنکه تغییری در مطالبات ایجاد شود، تجمع پایان یافت. این پرستار ادامه می‌دهد: «روز دهم مرداد، ماجرا وارد مرحله دیگری شد. در پایان شیفت یکی از کارکنان، خروج او در دستگاه ثبت تردد ثبت نشد و پس از پیگیری مشخص شد قرارداداش لغو شده است. مراجعه به بخش اداری و مدیریت بیمارستان نیز به نتیجه مشخصی نرسید و اعلام شد که مسئولان در جریان جزئیات تصمیم قرار ندارند.» او ادامه می‌دهد: «روز یازدهم مرداد، تعدادی از کارکنان برای پیگیری وضعیت قرارداد و دریافت توضیح به مدیریت بیمارستان مراجعه کردند. اما در آنجا برخورد‌هایی خارج از چارچوب معمول اداری صورت گرفت و برخی از همکاران مورد ضرب‌و شتم قرار گرفتند.» براساس این روایت، هنگام حضور کارکنان معترض در دفتر مدیریت بیمارستان، سه فرد ناشناس وارد اتاق شدند و از کارکنان خواستند رو دیو بار بایستند؛ «مشخص نبود این افراد از کجا آمدند و هیچ‌کس حکمی به همراه نداشتند، اما پرستاران رانفتیش بدنی کردند، گوشی‌های همراه آنها را بازرسی کردند و با تهدید، اتهام‌هایی عجیب‌و غریب به آنها نسبت دادند. در طول چند ساعت حضور در این محل، هیچ حکم یا مجوزی به آنها نشان داده نشد.» به گفته او، در ادامه برگه‌ای با عنوان صورت‌جلسه بازرسی وسایل الکترونیکی در اختیار کارکنان قرار گرفت و از آنها خواسته شد آن را امضا کنند. باین‌حال، برخی از کارکنان از امضای آن خودداری کردند؛ «روایت‌ها از این حکایت دارد که از کارکنان حاضر در دفتر مدیریت، پرسش‌هایی درباره دیدگاه‌های شخصی و موضوعاتی خارج از چارچوب حقوق مطرح شد و حتی هیچ ارتباطی با اعتراض صنفی و مطالبات آنها نداشت. همچنین درباره علت اعتراض و اینکه چرا با وجود پرداخت برخی مطالبات،

همچنان اعتراض‌ها ادامه دارد، سؤال شد و تلاش کردند از آنها درباره نقش افراد دیگر در اعتراض‌ها توضیح بگیرند.» پرستار دیگری نیز به «پیام ما» می‌گوید: «برخورد فیزیکی با برخی کارکنان معترض رخ داد و یکی از همکاران پس از انتقال به اتاقی دیگر با وضعیت جسمی نامناسبی مواجه شد و مدعی بود آثار آسیب در ناحیه صورت و دهان او قابل مشاهده است.» این بخش از روایت از جمله ادعاهایی است که روشن شدن صحت آن به بررسی مستقل، شهادت افراد حاضر، تصاویر دوربین‌های بیمارستان و اسناد پزشکی نیاز دارد. باین‌حال، به گفته این پرستار در طول این روند افراد حاضر از نظر روانی نیز تحت فشار قرار گرفتند و تهدیدهایی درباره ادامه برخوردها و احتمال انتقال به بازداشتگاه مطرح شد؛ درحالی‌که این افراد هیچ حکمی همراه نداشتند و مشخص نبود از سوی نهادی به بیمارستان آمده‌اند یا افراد دیگری بوده‌اند.

لغو قراردادها و بازگشت مشروط به تعهد

پس از این اتفاق‌ها، شماری از کارکنان با لغو قرارداد یا تغییر محل خدمت مواجه شدند. برخی دیگر نیز به کمیته‌های انضباطی احضار شدند. در ادامه، سازمان تأمین اجتماعی از تعدادی از کارکنانی که قرارداداشان لغو شده بود، خواست برای ادامه همکاری تعهدنامه‌ای ارائه کنند. در متن این تعهدنامه‌ها موضوعاتی مانند ابراز ندامت و پشیمانی از انتشار کلیپ‌هایی که به گفته سازمان در شبکه‌های خارج از کشور منتشر شده بود و تعهد به رعایت قوانین سازمان مطرح شد. باین‌حال، این تعهدنامه نیز با انتقاد پرستاران معترض مواجه شد. یکی از آنها می‌گوید: «همکاران ما این روایت را قبول ندارند، چراکه مطالبات ما صرفاً صنفی بوده و ارتباطی با رسانه‌ها یا شبکه‌های معاند نداشته است. در نتیجه، در متن تعهدنامه توضیحاتی درباره ماهیت صنفی اعتراض خود اضافه کردند.»

ابلاغیه دادگاه برای پنج پرستار معترض

با وجود بازگشت برخی کارکنان به محل کار و وضعیت قرارداد همه آنها به‌طور قطعی مشخص نشده است. موضوع ادامه همکاری تعدادی از پرستاران نیز به کمیته بررسی ارجاع شده است. از سوی دیگر، ماجرا برای تعدادی از کارکنان وارد مرحله قضایی شد. متن گفته یکی از افراد شاغل در این بیمارستان، براساس ابلاغیه‌ای که به پنج نفر از همکاران او رسیده، اتهام‌های «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی» مطرح شده و آنها برای حضور در دادسرا احضار شده‌اند. «این در حالی است که تمامی این اعتراض‌ها صنفی بوده و هیچ‌گونه موضوع سیاسی در آن دخیل نبوده است. ضمن اینکه شرایط کشور را در ک براساس ابلاغیه‌ای که به پنج نفر از همکاران او رسیده، اتهام‌های «نشر اکاذیب» و «تشویش اذهان عمومی» مطرح شده و آنها برای حضور در داد

شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور از کریدور جدید در جاده الموت کلاچای خبر می‌دهد

محیط زیست و منابع طبیعی از نبود گزارش ارزیابی و مجوز جدید می‌گویند

دوده تلاش برای ساخت جاده بدون ارزیابی

■ سخنگوی سازمان منابع طبیعی: فقط ۹کیلومتر از این جاده در سمت قزوین دارای گزارش ارزیابی

محیط‌زیستی است و برای باقی مسیر هیچ مطالعه‌ای انجام نشده است

■ مدیر دفتر ارزیابی اثرات محیط زیستی: به‌تازگی مجوزی از طرف سازمان حفاظت محیط زیست و بخش ارزیابی برای این جاده صادر نشده است و معاونت محیط زیست طبیعی سازمان هم با آن موافق نیست



خبرگزاری ا

افروغ فکری ا

روزنامه‌نگارا

ایده اولیه اتصال قزوین به الموت و شرق گیلان، با هدف کوتاه‌شدن مسیر ارتباطی، از اواخر دهه ۸۰ مطرح شد و پروژه در سال ۱۳۸۹ در فهرست طرح‌های ملی قرار گرفت. عملیات اجرایی از اوایل دهه ۹۰ شروع شد، اما به‌دلیل مشکلات مالی، فنی و به‌ویژه ملاحظات محیط زیستی، بارها متوقف ماند.

در سال ۱۳۹۷، ائتلاف میان مجریان پروژه و سازمان حفاظت محیط زیست بر سر مسیر و ارزیابی محیط زیستی جدی‌تر شد. سازمان حفاظت محیط زیست خواستار بررسی کل محور و اصلاح مسیر در نقاط حساس شد.

در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تلاش‌هایی برای فعال‌کردن پروژه و رفع موانع انجام شد، اما مسائل محیط زیستی همچنان پابرجا ماند. تا اینکه در هفته اخیر گفته شد پس از بررسی‌های محیط زیستی، کریدور جدیدی برای ادامه پروژه شناسایی شده است. شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل‌ونقل کشور اعلام کرد با بهره‌گیری از مشاور و هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست، مسیرهای جایگزین را بررسی کرده و اکنون کریدور جدیدی با رعایت ملاحظات محیط زیستی شناسایی شده است که می‌تواند زمینه ادامه اجرای پروژه را فراهم کند.

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار قزوین نیز گفته است حدود ۸۰کیلومتر از این محور در قزوین، ۷۰کیلومتر در گیلان و حدود ۵۰کیلومتر در مازندران قرار دارد و هماهنگی سه استان برای پیشبرد آن ضروری است.

هنوز مشخص نیست مسیر جدید دقیقاً کجاست، اما «مرجان شاکری»، رئیس دفتر ارزیابی اثرات محیط زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، به «پیام ما» می‌گوید به‌تازگی مجوزی از طرف سازمان حفاظت محیط زیست و بخش ارزیابی برای این جاده صادر نشده است و معاونت محیط زیست طبیعی سازمان هم با آن موافق نیست؛ «اگر تعهدات ۱۶گانه محیط زیستی این جاده به نتیجه رسیده است، اداره محیط زیست استان قزوین باید درباره این تعهدات و نحوه اجرای آن نظر دهد و بگوید آیا براساس بازورد و خواست آنها پیش رفته است یا خیر؛ اما مسیر جدیدی از سوی ما تعیین نشده است.»

این مخالفت در حالی مطرح می‌شود که «کامران پورمقدم»، معاون امور جنگل و سخنگوی سازمان منابع طبیعی، نیز به «پیام ما» می‌گوید فقط ۹ کیلومتر از این جاده در سمت قزوین دارای گزارش ارزیابی محیط زیستی است و برای باقی مسیر هیچ مطالعه‌ای انجام نشده و هیچ پیشنهاد و طرحی وجود

محیط‌زیست

مسیر قزوین ـ الموت ـ اشکور ـ رحیم‌آباد، ارتفاع مسیر در گردنه گون‌کول به حدود ۲۸۰۰ متر می‌رسد و پس از عبور از ارتفاعات، به‌تدریج به ارتفاع پایین‌تر رحیم‌آباد و سپس کلاچای می‌رسد. این اختلاف ارتفاع، شیب‌های زیاد، دره‌ها و پیچیدگی زمین را نشان می‌دهد.

اشکورات مهم‌ترین بخش گیلانی مسیر است؛ منطقه‌ای کوهستانی با پوشش جنگلی و مرتعی، دره‌ها و آبراهه‌های متعدد. بنابراین احداث راه جدید در این محدوده صرفاً به‌معنای تعریض یک جاده موجود نیست و در بخش‌هایی به خاک‌برداری، احداث پل و تثبیت دامنه‌ها نیاز دارد. در طرح اولیه، برای کل محور قزوین ـ رحیم‌آباد ـ کلاچای ۹۲ دستگاه پل پیش‌بینی شده بود که نشان‌دهنده پیچیدگی هیدرولوژیک و توپوگرافیک مسیر است.

از نظر وضعیت راه، مسئله اصلی در گیلان دوگانه است: از یک سو، راه‌های موجود اشکورات و رحیم‌آباد ظرفیت و کیفیت لازم برای تبدیل‌شدن به یک کریدور اصلی را ندارند و از سوی دیگر، تبدیل این مسیر کوهستانی به محوری اصلی می‌تواند فشار بیشتری بر طبیعت منطقه وارد کند.

باین‌حال، «فرهاد حسینی طایفه»، رئیس اداره محیط زیست گیلان، به «پیام ما» می‌گوید: «در استان، گیلان نه جاده‌ای جدید ساخته می‌شود و نه جاده در منطقه حساس یا حفاظت‌شده قرار دارد.»

به‌گفته او، در گیلان جاده‌ای در همین محور وجود دارد و قرار نیست جاده جدیدی ساخته شود؛ فقط مجوز پیچ‌بری داده شده است: «این مجوز به این معناست که در همان جاده، اگر به تعریض، آسفالت مجدد یا برداشتن سنگ و مانند آن از میان راه نیاز باشد، این اقدامات با نظارت اداره منابع طبیعی انجام می‌شود.»

او همچنین تأکید دارد که ساخت این جاده در استان قزوین مشکلاتی محیط زیستی ایجاد می‌کند و با ارتفاع حدود ۳ هزار متری، چندان توجیهی برای آن وجود ندارد: «نمی‌دانیم توجیه ساخت جاده‌های جدید، به‌خصوص این جاده که در ارتفاع بالاست و تخریب‌های سنگین دارد، چیست؟ کاش توجه به آزادراه‌های استان جدی‌تر می‌شد تا جاده‌هایی از این دست ساخته نشود.»

🔴 پژوهش‌ها از تخریب ناشی از جاده جدید می‌گویند
پژوهش‌های علمی انجام‌شده درباره محور قزوین ـ الموت ـ تنکابن و همچنین حوضه آبخیز الموت، تصویری نسبتاً روشن از حساسیت‌های محیط زیستی و زمین‌شناختی این منطقه ارائه می‌کنند. یکی از این پژوهش‌ها با عنوان «اکولوژی جاده‌های آسفالت: مطالعه موردی جاده قزوین ـ الموت ـ تنکابن» است که در سال ۲۰۱۴ به قلم شهاب کرمی، احمدرضا یوری، سیدمحمود هاشمی و اژدر امینی نوشته شد و از نمونه‌های مهم پژوهش درباره اثرات جاده در منطقه است.

این مطالعه، جاده را از سه منظر بررسی می‌کند: تخریب زیستگاه‌های مجاور، اثر تردد بر حیات‌وحش و پیامدهای جاده بر آب، رسوب، آلودگی‌های شیمیایی و رودخانه‌ها. نتایج نشان می‌دهد احداث و بهره‌برداری از جاده موجب تخریب بخشی از زیستگاه‌ها و اختلال در الگوی زندگی گونه‌هایی مانند پلنگ ایرانی، خرس قهوه‌ای، سیاه‌گوش، گرگ، گراز، شغال، روباه و خرگوش شده است. این پژوهش همچنین به تأثیرات جاده بر پرندگان، خزندگان و سامانه‌های آب منطقه اشاره می‌کند.

پژوهش دیگری در این زمینه، با عنوان «ارزیابی خطر زمین‌لغزش براساس حساسیت و آسیب‌پذیری»، در سال ۲۰۲۴ به قلم جمال مصفاایی، امین صالح‌پور جم و فرامرز سرفراز منتشر شده است که تصویر دقیق‌تری ارائه می‌دهد. پژوهشگران ۴۰ زمین‌لغزش با مجموع وسعت حدود ۱۴۱۷ هکتار را در حوضه الموت شناسایی کردند و دریافتند لیتولوژی و کاربری زمین از مهم‌ترین عوامل وقوع زمین‌لغزش هستند. همچنین بخش قابل‌توجهی از پهنه‌های با خطر بالا در محدوده‌های سکونتی قرار گرفته است. نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که اصول مناسب برنامه‌ریزی کاربری زمین در مدیریت خطر زمین‌لغزش منطقه به‌اندازه کافی رعایت نشده است. در مجموع، تحقیقات علمی سه نگرانی اصلی را درباره توسعه جاده در الموت برجسته می‌کنند: تکه‌تکه‌شدن و تخریب زیستگاه حیات‌وحش، اختلال در رودخانه‌ها و جریان رسوب و آب و قرارگرفتن زیرساخت در پهنه‌ای با استعداد قابل توجه زمین‌لغزش. بنابراین مسئله جاده صرفاً «قطع پوشش گیاهی» نیست؛ بلکه تغییر کاربری زمین، ناپایداری دامنه‌ها و اثر بر زیستگاه‌ها باید هم‌زمان در ارزیابی آن دیده شود؛ نکته‌ای که بعد از گذشت دو دهه همچنان اثری از آن نیست. هنوز مشخص نیست چرا این جاده گزارش ارزیابی اثرات محیط زیستی ندارد؟ چرا قرار است در این ارتفاع جاده ساخته شود و راه پایتخت به جلگه‌های شمالی به چه قیمتی تسهیل می‌شود؟

اگر به نقشه‌های این مسیر ۷۰کیلومتری در استان گیلان توجه کنیم، این جاده در جنوب شهرستان رودسر و محدوده بخش رحیم‌آباد و اشکورات قرار می‌گیرد و از منطقه‌ای کاملاً کوهستانی وارد شرق گیلان می‌شود. براساس مسیرهای موجود و توصیف‌های اجرایی، مسیر از ویار و گردنه گون‌کول، در مرز قزوین و گیلان، وارد محدوده اشکورات می‌شود و از سبارده، لشکان، پردنان، بارگاه‌دشت، کاکرود، سه پل، گرم‌پادش، جیرکل، نیلو، سفیدآب و طول‌لاست به سمت رحیم‌آباد ادامه پیدا می‌کند و سپس به کلاچای می‌رسد. این مسیر از نظر توپوگرافی، یکی از دشوارترین بخش‌های محور است. در یک پیمایش ثبت‌شده از

«احیای تالاب بندعلیخان فرایندی چندوجهی است که علاوه بر تأمین آب، به اجرای اقدامات فنی، اصلاح و سامان‌دهی مسیرهای ورود آب و پایش مستمر وضعیت تالاب نیاز دارد. همه این اقدامات باید براساس مطالعات تخصصی و با رعایت ملاحظات محیط زیستی انجام شود.» او خاطرنشان کرد: «بارگشایی انهار و آبراهه‌های سنتی را می‌توان یکی از اقدامات عملی و اولیه در مسیر احیای بندعلیخان دانست؛ اقدامی که با هدف تسهیل ورود آب به تالاب و بازگرداندن بخشی از جریان‌های آبی مرتبط با این زیست‌بوم انجام شده است.» عباس‌نژاد در پایان تأکید کرد: «حفاظت از تالاب بندعلیخان به همراهی همه دستگاه‌های مرتبط و استمرار اقدامات اجرایی و کارشناسی نیاز دارد. ادارکل حفاظت محیط زیست استان تهران نیز روند اقدامات احیایی و وضعیت جریان‌های ورودی به تالاب را به‌صورت مستمر پیگیری و پایش می‌کند.» ا ایسنا

تلاش برای احیای بندعلیخان با دستور قضایی

گرفت واجراشد.»
افزود: «استمرار جریان آب در مسیرهای طبیعی و سنتی تأمین‌کننده آب تالاب، از الزامات مهم برای بازگشت تدریجی کارکردهای اکولوژیک بندعلیخان است. به همین دلیل، رفع موانع موجود در مسیر انتقال آب و احیای آبراهه‌های مرتبط با تالاب اهمیت ویژه‌ای دارد.»

عباس‌نژاد با تأکید بر اینکه بازگشایی مسیرهای انتقال آب باید درکنار تعیین حق‌آبه محیط‌زیستی تالاب دنبال شود، تصریح کرد: «این اقدام به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای تالاب باشد و لازم است میزان و نحوه تأمین حق‌آبه، براساس نتایج مطالعات کارشناسی و علمی، تعیین و در چارچوب برنامه احیای تالاب اجرا شود.» مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران ادامه داد:

ا خبر |

طوفان در جنوب برزیل به بیش از ۱۶۰۰ خانه آسیب رساند

اداره دفاع مدنی ایالت «ریوگرانده دوسول» در جنوب برزیل اعلام کرد طوفان و تگرگ شدید جان دست‌کم دو نفر را گرفت و به بیش از ۱۶۰۰ خانه آسیب رساند.

قربانیان شامل یک کودک هشت‌ساله بودند که بر اثر سقوط درخت جان باخت و مردی ۷۲ساله که وسیله نقلیه‌اش در سیلاب گرفتار شد. در منطقه‌ای در شمال این ایالت، حدود ۱۰۰۰ خانه بر اثر بارش تگرگ درشت آسیب دید. در نزدیکی مرز غربی برزیل با اروگوئه نیز مقام‌ها پس از وارد آمدن خسارت به ۳۴۹ خانه بر اثر تگرگ، وضعیت اضطراری اعلام کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، «ریو گرانده دو سول» همچنان به‌دلیل آب‌وهوای نامساعد مرتبط با ال‌نینو در حالت آماده‌باش است. این ایالت در سال ۲۰۲۴ یکی از بدترین بلایای اقلیمی برزیل را تجربه کرد؛ زمانی که سیل تقریباً ۹۰ درصد از مساحت آن را تحت تأثیر قرار داد و جان بیش از ۱۸۰ نفر را گرفت.ا ایسنا

ا خبر |

مفقود شدن بیش از ۲۰ نفر در پی سیل در یک پارک ملی آمریکا

مقام‌های آمریکایی اعلام کردند در پی وقوع سیل ناگهانی در پارک ملی «گرند کنیون» در ایالت آریزونای آمریکا، بیش از ۲۰ نفر مفقود شده‌اند.

سازمان پارک‌های ملی ایالات متحده در بیانیه‌ای اعلام کرد این سیل ناگهانی و شدید در دره «برایت انجل» رخ داده است.

این سازمان از هر کسی که از کوهنوردان یا طبیعت‌گردان اطلاعی دارد، خواست اطلاعات خود را در اختیار شعبه خدمات تحقیقاتی سازمان پارک‌های ملی قرار دهد. این گروه از کوهنوردان در ۲۹ اوت، دو روز پیش از انتشار خبر، در بخش داخلی دره و در امتداد مسیر رودخانه برایت انجل یا مسیر آسیب‌دیده منطقه، محل اقامت زروور کرده بودند.

مقام‌های پارک اعلام کردند با هماهنگی اداره ایمنی عمومی آریزونا به عملیات تخلیه و امدادسانی ادامه می‌دهند. آنها همچنین در تلاش‌اند افرادی را که ممکن است در مسیر سیل بوده باشند، شناسایی کنند. براساس بیانیه خبری پیشین مقام‌های پارک، تا صبح یکشنبه در مجموع ۶۲ نفر از منطقه تخلیه شده‌اند.

سیل ناگهانی خسارت قابل‌توجهی به زیرساخت‌های سراسر دره برایت انجل وارد کرد. به گفته مقام‌های پارک، تقریباً تمام پل‌های عابر پیاده روی رودخانه برایت انجل تخریب شده‌اند.

به گزارش شینهوآ، بخش‌هایی از پارک ملی گرند کنیون بسته شده است. رودخانه کلرادو نیز به‌دلیل فروپریختن سازه‌های فلزی و ورود آوار به رودخانه، تا اطلاع ثانوی به روی تردد بسته است.

مقام‌ها همچنین هشدار دادند احتمال وقوع رعدوبرق و بارندگی شدید در روزهای یکشنبه و دوشنبه وجود دارد. این وضعیت می‌تواند به وقوع سیل‌های ناگهانی بیشتر، جریان آوار و ریزش سنگ منجر شود و شرایط مسیرها و رودخانه را تغییر دهد.ا ایسنا

نوبت سوم



آگهی مناقصه دهیاری اردکلو

دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرسازی و آسفالت (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir)، جهت دریافت مدارک و نیز بازگرداری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند.

شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱

دهیار اردکلو- سیف الهی خاتمه

آگهی مفقودی

کلیه مدارک خودرو سواری – سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس مدل ۱۳۸۸ به رنگ خاستری متالیک به شماره موتور۱۲۴۸۸۲۴۷۲۲۴ به شماره شاسی: NAAM01CA3AR313003 به شماره پلاک ۲۷ ن ۴۷۷ ایران ۶۵ به نام عزیزه روشادی نوژن مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. منوجان

ا خبر |

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان تهران: احیای تالاب بندعلیخان فرایندی چندوجهی است که علاوه بر تأمین آب، به اجرای اقدامات فنی، اصلاح و سامان‌دهی مسیرهای ورود آب و پایش مستمر وضعیت تالاب نیاز دارد





— ۳۰ —
— ۳۱ —
— ۳۲ —

گزارش «پیام ما» از مرمت اضطراری کاشی‌کاری‌های مسجد جامع عباسی

پشت فیروزه‌های نقش جهان

فرسودگی لایه‌های زیرین و جداشدگی تزیینات، خطر سقوط بخش‌هایی از کاشی‌کاری مسجد جامع عباسی را افزایش داده است

از کف میدان نقش جهان، کاشی‌های مسجد جامع عباسی هنوز یکپارچه و استوار به نظر می‌رسند؛ اما در ارتفاع، بخشی از این بدنه تاریخی در معرض جداشدگی و سقوط است. فرسودگی مصالح، لرزه‌ها، فرونشست و تنش‌های واردشده به بنا، مرمتگران را به سراغ نقاط بحرانی برده است. اکنون مسئله فقط حفظ چند قطعه کاشی نیست؛ کارشناسان می‌گویند مهار این آسیب به مستندنگاری دقیق، حداقل مداخله و پایش مستمر نیاز دارد.



اکروش دیباج ا

روزنامه‌نگار

کاشی‌های مسجد جامع عباسی اصفهان از آن دست جزئیات معماری هستندکه چشم مخاطب را می‌گیرند و اجازه نمی‌دهند به آنچه پشت این رنگ و نقش می‌گذرد، فکر کند. از فاصله میدان نقش جهان، سطح وسیع کاشی‌کاری‌های مسجد یکپارچه و آرام به نظر می‌رسد؛ اما در ارتفاع و پشت همین سطح چشم‌نواز مجموعه‌ای از لایه‌های مصالح، ملات و اتصالات قرار گرفته است که بخشی از آن‌ها در گذر زمان آسیب دیده‌اند. اکنون مسئله مرمت این بدنه‌ها دیگر تنها بازگرداندن چند کاشی شکسته به جای خود نیست؛ بحث بر سر کنترل خطری است که اگر به‌موقع مدیریت نشود، می‌تواند به جداشدگی و سقوط بخش‌هایی از تزیینات منجر شود. مسجد جامع عباسی، یکی از مهم‌ترین بناهای معماری دوره

گفت‌وگو با «پیام ما» درباره وضعیت فعلی بدنه‌های کاشی مسجد می‌گوید: «مهم‌ترین اولویت، اقدامات اجرایی برای مرمت همین بدنه‌هاست؛ بخش‌هایی که سطح گسترده‌ای از بنا را دربرمی‌گیرند و به‌دلیل شرایط موجود، نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود.»

اومی‌افزاید: «مطالعات انجام‌شده نشان داده‌است که ضخامت لایه تزیینات در بخش‌هایی به حدود ۱۵ تا ۱۶ سانتی‌متری می‌رسد و در این میان، حجم زیادی ملات گچ و در برخی قسمت‌ها کوبه‌های آجری وجود دارد.» به گفته رحمتی، گذشت زمان، فرسایش، لرزه‌ها، تنش‌های واردشده به بنا و همچنین فرونشست، در جداشدگی تدریجی این بدنه‌ها مؤثر بوده‌اند. مدیر پایگاه جهانی میدان نقش جهان درعین حال به عامل مهم دیگری اشاره می‌کند: فشار هوای ناشی از انفجار در جریان تهاجم رژیم صهیونیستی به خاک ایران که به گفته او، روند آسیب‌های موجود را تشدید کرده است. او درلین باره بیان می‌کند: «اگر برخی کاشی‌ها در شرایط عادی ممکن بود طی مدت طولانی‌تری دچار جداشدگی شوند، این فشار باعث شد روند جداشدگی به شکل محسوس‌ی شتاب بگیرد و خطر جداشدگی برخی قسمت‌ها زودتر خود را نشان دهد.»

رحمتی می‌گوید: «پس از شناسایی بخش‌های در معرض خطر، عملیات مستندنگاری انجام می‌شود. کاشی‌های موردنظر پس از برداشت به کارگاه انتقال پیدا می‌کنند تا پاک‌سازی و در صورت نیاز مرمت شوند و سپس دوباره در محل خود نصب شوند. در مواردی که کاشی‌ها شکسته یا نیازمند تکمیل باشند نیز عملیات مرمتی در کارگاه انجام می‌شود.»

او با اشاره به اجرای شیوه‌ای برای انتقال بار تزیینات به ساختار اصلی بنا بیان می‌کند: «هدف این است که وزن کاشی‌ها تا حد امکان از روی سنگ‌های آبراز برداشته و به سازه اصلی منتقل شود. این اقدام برای کاهش فشار واردشده به سنگ‌های آسیب‌دیده اهمیت دارد.» مدیر پایگاه جهانی میدان نقش جهان با بیان اینکه برای این عملیات ۱۵ میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته و ۸ میلیارد تومان نیز از محل مسئولیت اجتماعی تأمین شده‌است، می‌گوید: «اجرای پروژه به یک گروه اجرایی دارای صلاحیت و رتبه مرمتی سپرده شده و مهدی پاکدل نیز در اجرای این عملیات حضور دارد. برنامه اولیه، اجرای کار تا پایان شهریورماه است؛ هرچند به‌دلیل حساسیت عملیات، احتمال تعدید زمان وجود دارد.»

بدنه‌های کاشی در وضعیت عادی نیستند

سینا وحدتی، کارشناس ارشد مرمت تزیینات وابسته به معماری و متخصص حفاظت میراث جهانی و مدیریت ریسک آثار تاریخی، در گفت‌وگو با «پیام ما» تأکید می‌کند: «جداشدگی کاشی را نباید آسیبی منفرد دانست؛ زیرا کاشی بخشی از سامانه‌ای متشکل از لایه‌های تزیینی، ملات، بستر معماری و سازه است و هر تغییر در یکی از این اجزا می‌تواند بر دیگری اثر گذارد.»

اومی‌گوید: «در چنین شرایطی، نخستین اصل شناخت دقیق وضعیت موجود است. پیش از برداشت کاشی باید مشخص شود قطعه در چه وضعیتی قرار دارد، اتصال آن چگونه و در چه میزان از بستر خود فاصله گرفته و آیا آسیب فقط در سطح تزیینات باقی مانده یا به لایه‌های زیرین نیز رسیده‌است. از این منظر، مستندنگاری پیش از مداخله اقدامی آداری نیست، بلکه بخشی از خود فرایند حفاظت محسوب می‌شود.»

وحدتی تأکید می‌کند: «در بنایی مانند مسجد جامع عباسی، برداشت کاشی باید به حداقل مداخله محدود شود. اگر

قطعه‌ای امکان حفظ درجای خود را داشته باشد، جداکردن آن نباید نخستین گزینه باشد؛ اما در نقاطی که خطر سقوط وجود دارد، ایمنی و جلوگیری از نابودی مصالح تاریخی، ضرورت مداخله را افزایش می‌دهد. تفاوت میان مرمت حرفه‌ای و تعمیرات معمول نیز دقیقاً در همین تشخیص نهفته‌است.»

او بیان می‌کند: «اهمیت موضوع زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم بخشی از کاشی‌کاری مسجد در ارتفاع بسیار زیاد قرار گرفته‌است. در این شرایط، سقوط حتی یک قطعه نیز می‌تواند علاوه بر آسیب به خود اثری برای بازیدکنندگان و کارکنان خطر ایجاد کند. بنابراین، پایش دوری‌ای، شناسایی نقاط بحرانی و ثبت تغییرات باید پس از پایان عملیات نیز ادامه پیدا کند. مرمت نباید با بازگشت کاشی به دیوار خاتمه‌یافته تلقی شود.»

پنج سانتی‌متر جابه‌جایی هم می‌تواند هشدار باشد مهدی پویناریز، متخصص سازه و آسیب‌شناسی بناهای تاریخی، در گفت‌وگو با «پیام ما» بخش دیگری از مسئله را در ارتباط میان تزیینات و ساختار بنا می‌داند. به گفته او، در یک بنای تاریخی نمی‌توان وزن و رفتار لایه‌های تزیینی را از بستر معماری آن‌ها جدا کرد. هر لایه بخشی از بار خود را به لایه زیرین منتقل می‌کند و تغییر در این مسیر می‌تواند وضعیت موجود را دگرگون کند. او درباره جلواگذاری سنگ‌های آزاره می‌گوید: «این موضوع نباید صرفاً تغییر ظاهری تلقی شود. اگر سنگی در طول زمان چند سانتی‌متر از موقعیت اولیه خود خارج شده باشد، باید مشخص شود این جابه‌جایی ناشی از چه فرایندی است و آیا پشت آن، تغییرات دیگری در بدنه یا بستر وجود دارد یا خیر. به‌ویژه در یک بنای تاریخی، عدد به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست؛ رابطه‌ان عدد با ساختار بنا اهمیت دارد.» این متخصص سازه و آسیب‌شناسی بناهای تاریخی، انتقال بار کاشی‌ها از روی سنگ‌های آزاره به ساختار اصلی را اقدامی قابل توجه می‌داند، اما تأکید می‌کند: «چنین تصمیمی باید براساس شناخت دقیق مسیر انتقال نیرو انجام شود. اگر قرار باشد باری از یک بخش برداشته و به بخش دیگری منتقل شود، باید ظرفیت بخش دریافت‌کننده و پیامدهای این تغییر نیز بررسی شود.» او می‌گوید: «یکی از خطراتی مرمت بناهای تاریخی، رفع یک آسیب با ایجاد آسیبی تازه است. به همین دلیل، عملیات اجرایی باید همراه با پایش باشد. پس از تثبیت بدنه و بازگرداندن کاشی‌ها نیز باید بررسی شود که آیا رفتار بدنه تغییر کرده‌است یا خیر. مرمت زمانی موفق است که بنا پس از مداخله، وضعیت پایدارتری و قابل کنترل‌تری پیدا کند.»

کاشی‌های مسجد عباسی بخشی از تصویری بزرگ‌ترند علیرضا جعفری‌زید، باستان‌شناس و متخصص تاریخ معماری صفوی و تزیینات معماری، اهمیت کاشی‌های مسجد جامع عباسی را فراتر از ارزش بصری آن‌ها می‌داند. از نگاه او، این کاشی‌ها بخشی از یک نظام معماری هستند که در آن، رنگ، نقش، کتیبه، قاب‌بندی و ساختار بنا در ارتباط با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند. او در گفت‌وگو با «پیام ما» اظهار می‌کند: «در چنین اثری، هر قطعه کاشی ارزش مستقل و درعین حال ارتقی وابسته به جایگاه خود را دارد. مجموعه دارد. بنابراین، وقتی قطعه‌ای از بدنه جدا می‌شود، لازم است موقعیت دقیق آن، ارتباطش با قطعات اطراف و ویژگی‌های نقش و رنگ آن ثبت شود. این اطلاعات برای بازگرداندن قطعه به جای درست خود و جلوگیری از خطا در آینده اهمیت دارد.»

این باستان‌شناس و متخصص تاریخ معماری صفوی تأکید می‌کند: «مرمت نباید



تولید آب

وزارت نیرو بخشی از وظایف مدیریت منابع آب را به تشکل های بهره‌برداران می‌سپرد

واگذاری مبهم مدیریت آب

■ **الموتی، کنشگر محیط زیست: این طرح پوششی برای کاهش تبعات اجتماعی راه‌اندازی بازار آب است**

■ **اشتیاقی، پژوهشگر حوزه آب: بدون توازن قدرت**

حکمرانی مشارکتی به ایجاد نهادهای ویتربنی محدود می‌شود

■ **سخنگوی صنعت آب: تعیین میزان برداشت و تقسیم آب همچنان حاکمیتی است**

مدیریت مشارکتی آب بخشی از حافظه تاریخی ما ایرانی‌هاست، اما با ورود به دنیای مدرن و متمرکزشدن هرچه بیشتر دولت، این اختیار از مردم گرفته و به دست دولت‌مردان سپرده شد. حالا دوباره این بحث مطرح شده است که بخشی از وظایف وزارت نیرو به تشکل‌های بهره‌برداران واگذار شود. با اینکه سخنگوی صنعت آب معتقد است هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که بدون مشارکت مردم، زیست‌بوم و آبخوانی پایدار داشته باشد و این کار را در راستای حفظ منافع محیط زیست می‌داند، بعضی کارشناسان نظر دیگری دارند. دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی کشور معتقد است این برنامه در دستور کار قرار گرفته تا تبعات اجتماعی ناشی از شروع به کار بازار آب را کاهش دهد. یکی از اعضای انجمن دیپلماسی آب هم معتقد است که احتمالاً «این طرح ویتربنی باشد برای بستن دهان منتقدان».



انگین شریفی ا

ا خبرنگار

به‌تازگی وزارت نیرو دستورالعمل اجرایی مدیریت مشارکتی منابع آب را ابلاغ کرده‌است. این وزارتخانه براساس دستورالعمل اجرایی بند «ت» ماده ۴۰ قانون برنامه هفتم توسعه اعلام کرده است که قرار است با ایجاد یا تقویت تشکل‌های بهره‌برداران، وظایف تصدی‌گری برای حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب سطحی و زیرزمینی، به‌تدریج به این تشکل‌ها واگذار شود. در حقیقت، هدف از این کار استفاده از مدیریت مشارکتی است. همچنین قرار است پس از پایان برنامه هفتم و فراهم‌شدن بسترهای لازم، مشارکت با آن‌ها از طریق مبادله قراردادهای مشارکتی نتیجه‌محور دنبال شود. این قراردادهای مبتنی بر

«عصبی بزرگ‌زاده»، سخنگوی صنعت آب، در پاسخ به اینکه

سازوکار این برنامه مشارکتی چگونه است، به «پیام ما» می‌گوید: «در این طرح قرار است فقط بخشی از حفاظت به تشکل‌ها واگذار شود. مدیریت مشارکتی چند سالی است در کشور مطرح شده، اما پیش‌نرفته بود. پیش از این، مسئولیت این کار با وزارت جهاد کشاورزی بود و تشکل‌ها در توزیع سم و کود فعال بودند.» به گفته او، این شرایط تا زمان برنامه هفتم توسعه ادامه داشت: «در این برنامه ماده‌ای تصویب شد که براساس آن، وزارت نیرو موظف است وظایف تصدی‌گری خود را به تشکل‌ها واگذار کند.» سخنگوی صنعت آب مثال‌هایی از وظایف تصدی‌گری می‌زند: «آبخوانی را تصور کنید که هزار کشاورز در آن کار می‌کنند. پایش الگوی کشت، پایش نحوه بهره‌برداری و تخلیه آبخوان از سوی کشاورزان مختلف و تعیین اینکه میزان برداشت کشاورزان در محدوده مجاز یا غیرمجاز است، جزو وظایف تصدی‌گری است. این کارها قرار است به تشکل‌های بهره‌بردار که از خود مردم هستند، واگذار شود. تشکل‌ها در قالب یک رابطه حقوقی و قانونی با وزارت نیرو همکاری می‌کنند و بخشی از وظایف تصدی‌گری را برعهده می‌گیرند.»

او این‌ها را حکمرانی محلی آب می‌نامد و می‌گوید: «هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که زیست‌بوم و آبخوانی پایدار داشته باشد و مشارکت مردم را نداشته باشد.»

■ **وظایف حاکمیتی غیرقابل واگذاری اند**

البته او وظایف حاکمیتی را غیرقابل واگذاری می‌داند و توضیح می‌دهد: «اینکه از یک آبخوان مقدار آب برداشت شود تا پایدار بماند، کاری حاکمیتی است. تعیین کیفیت آب و تسهیم آب بین استان‌های بالادست و پایین‌دست جزو مسائل حاکمیتی و غیرقابل واگذاری اند و همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند.» بزرگ‌زاده از نحوه شکل‌گیری تشکل‌ها می‌گوید: «تعداد تشکل‌های موجود که در چند دهه گذشته از سوی وزارت جهاد کشاورزی ایجاد شده‌اند، حدود ۱۶۰ مورد است. به‌علاوه، وزارت تعاون هم چنین کاری کرده است. ما در گام اول از ظرفیت تشکل‌های موجود استفاده می‌کنیم، اما اگر در جایی تشکلی وجود نداشته باشد، باید تشکیل شود.» او درباره شرایط عضویت در این تشکل‌ها می‌گوید: «شرط اساسی عضویت در این تشکل‌ها، تعلق به آن دشت و آبخوان است. نمی‌شود کسی در دشتی که نه در آن زمین یا خانه‌ای دارد و نه آنجا زندگی می‌کند، عضو تشکل آنجا باشد. تشکل‌ها شامل مردم و بهره‌برداران همان منطقه هستند. اگر تشکل‌ها بزرگ باشند و بیش از ده درصد از بهره‌برداران را تشکیل دهند، آن‌ها را به تشکل‌های کوچک‌تر تبدیل می‌کنیم، اما اگر هر تشکل بسیار کوچک باشد، هر دو یا سه تشکل را به یک تشکل تبدیل می‌کنیم.»

■ **آب کلای «لاکچری» می‌شود**

«محمد الموتی»، دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی کشور دلیل به میان آمدن موضوع مشارکت مردمی را درگیرکردن مردم در تصمیم‌گیری و مدیریت نمی‌داند. بلکه معتقد است این برنامه مشارکتی برای کاهش طرح بازار آب روی کار آمده است. او به «پیام ما» می‌گوید: از چند سال پیش، برنامه کلانی برای راه‌اندازی بازار آب در کشور آغاز شده است. برای اینکه بازخوردهای منفی جامعه در برابر برپایی چنین بازاری کمتر شود، می‌خواهند تشکل‌های آب‌بران را شریک خود کنند. در واقع، مسئله مشارکت، نظارت و محافلت نیست، بلکه می‌خواهند طرح کلان بازار آب را راه بیندازند و با شریک‌کردن بخشی از مردم، از شدت عواقب آن بکاهند.» او این طرح را یکی از چالش‌های یکی دو سال اخیر می‌داند و به نقد آن می‌گوید: «تشکل‌ها زمانی کارساز و کارآمدند که قبلاً مهارت‌های مشارکتی، همکاری و همیاری را کسب کرده باشند. یکی از مشکلات بزرگ ما این است که تشکل‌های آب‌بران تجربه کمی در حوزه مشارکت و شب‌کساز دارند.» به گفته الموتی، با آغاز به کار بازار آب، حتی اگر مشارکت مردمی

هم اجرایی شود، به‌دلیل ضعف زیرساختی در حوزه مشارکت، این طرح به رقابت منفی و بازارسازی غیرمعمول و غیراستاندارد منجر می‌شود و چالش‌هایی ایجاد می‌کند: «این ایده هم تبعات اجتماعی بسیار سنگینی خواهد داشت و هم آب را به کالایی تبدیل می‌کند که بر سر آن رقابت، اختلاس و دزدی می‌شود.» این کنشگر محیط زیست درباره بازار آب توضیح می‌دهد: «عملیاتی‌شدن این طرح منوط به آن است که بالادست و پایین‌دست با هم به توافق برسند. مدل ساده این بازار به این شکل است که برای مثال، چهارمحال و بختیاری که سرمشأ است، به شرطی آب اصفهان را تأمین کند که این مبلغ به چرخه وارد شود و به سرمشأ بازگردد.»

او معتقد است برای اینکه چنین اتفاقی بیفتد، هم تشکل‌های چهارمحال و بختیاری و هم تشکل‌های اصفهان باید با این موضوع همراه باشند: «در حقیقت، آن‌ها شریک‌هایی می‌خواهند تا بتوانند کار خود را پیش ببرند و تبعات و اعتراضات اجتماعی آن را کاهش دهند. دانشگاه‌ها، انجمن‌های تخصصی و حتی بخش‌های خصوصی هم باید به‌شکل جدی به این امر اعتراض کنند، چون قضیه کاملاً غیرشفاف است. آب هم قرار است جزو کالاهای لاچکری شود و دیگر حق عمومی‌ای پشت آن نخواهد بود.» دبیر شبکه تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی کشور از طرف دیگر می‌گوید: «این طرح روی کاغذ درست و مناسب به‌نظر می‌رسد و مسائلی چون دزدی آب را کاهش می‌دهد، چون بالادست می‌گوید من این آب را به آخرین کشاورز پایین‌دست می‌دهم و پول را از او می‌گیرم، به مسئولان هم گفته‌اند این بازار بازاری می‌شود که در آن مردم خودشان با یکدیگر مبادله دارند و در این میان، قیمت آب کشف می‌شود. اما آب کالا نیست، بلکه مسئله‌ای کاملاً استراتژیک است، زیرا حیات ما با آن گره خورده است.»

■ **چگونگی اجرا مهم است**

«معصومه اشتیاقی»، پژوهشگر اجتماعی امور آب و عضو انجمن دیپلماسی آب ایران، با بیان اینکه مشارکت مردمی و سپردن کار به نهادهای محلی در سال‌های اخیر به‌طور مداوم مطرح بوده است، ابهام اصلی را در چگونگی اجرای چنین طرح‌هایی می‌داند. به گفته او، ابتدا باید سازوکار واقعی این موضوع مشخص شود تا حق ضایع نشود: «ما حافظه تاریخی خوبی در این حوزه داریم. در گذشته، تشکل‌ها و نهادهای مردمی مدیریت منابع آب را به شکل‌های مختلف برعهده داشتند. البته نوع مدیریت در شهرهای مختلف متفاوت بوده است. شاید به‌دلیل سابقه آب‌بران در ایران است که وزارت نیرو این موضوع

روزنامه سیاسی – اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوربان
مدیر هنری: تبوا صددیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتنویست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملائی، شیواکوی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما: www.payamema.ir/akhlagh	آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌مجری ۰۹۰۵۸/۱۲۵۵۹ آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰	برگزاری رویداد: داخلی ۳ مدیرمسئول: داخلی ۴	تحریریه: داخلی ۱ استان‌ها: داخلی ۲	تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰ شماره تماس: ۰۲۱-۷۴۲۲ ۷۱۰۵	تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲ – طبقه اول نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶	ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com	@payamema ۸۴۹۴ ۳۳۳ ۰۹۰۳ www.payamema.ir @payamema
---	---	---	---------------------------------------	--	---	--	--



عکس: حسین عیسی پور، ایسنا

مسابقات کشتی سنتی لوچو در روستای کلاریجان

تعطیلی سینمای ۶۰ ساله رشت

مدیر قدیمی‌ترین سینمای رشت با اعلام تعطیلی این سینما به‌دلیل مشکلات حقوقی، ابراز امیدواری کرد که سینما تا زمان صدور رأی نهایی بتواند به فعالیت خود ادامه دهد. بهنام پورجردی گفت: «سینما ۲۲ بهمن شهر رشت، بزرگ‌ترین سینمای این شهر و استان گیلان است که قدمت ساخت آن به سال ۱۳۴۵ برمی‌گردد و ۸۵۰ نفر ظرفیت دارد. این سینما که به‌عنوان مجموعه‌ای خانوادگی برای سینمادوستان رشت شناخته می‌شد و معمولاً آکران فیلم‌های فرهنگی و هنری در آن اولویت داشت، پس از آنکه مالک اصلی آن در دوران شیوع کرونا از دنیا رفت، دچار مشکلاتی شد.»

او توضیح داد: «بین وارث و مالکان فعلی سینما اختلاف‌نظری به وجود آمده است و اکنون، به‌دلیل اختلاف حقوقی میان مالکان و بنا بر حکم مرجع قضایی، تصمیم گرفته شده است که فعالیت سینما فعلاً متوقف شود. البته ما تمام تلاش خود را کردیم که سینما، با وجود این مسائل قضایی، تا زمان صدور حکم نهایی به فعالیت خود ادامه دهد.»

پورجردی اضافه کرد: «در کنار این مشکل، مسئله دیگری که به این وضعیت دامن زده، این است که یکی از پلتفرم‌های بلیت‌فروشی که بیشترین سهم را در فروش بلیت سینما داشته، به‌مدت شش ماه پورسانت فروش سینما را که به حدود دو میلیارد تومان می‌رسد، بلوکه کرده است؛ درحالی که در قرارداد فعلی بندی وجود نداشته که به این اتفاق منجر شود. ضمن اینکه این رقم، پورسانت دفاتر پخش بوده است؛ زیرا تسهیم فروش از مبدأ هنوز در شهرستان‌ها اجرا نمی‌شود.»

او ابراز امیدواری کرد که مرجع قضایی این سینما را مانند یک پاسژ نبیند و با آن به‌عنوان یک مرکز فرهنگی برخورد کند تا سینما بتواند تا زمان صدور رأی نهایی به فعالیت خود ادامه دهد: «بیم آن می‌رود که همین مسئله دستاویزی برای تعطیلی طولانی‌مدت یا تغییر کاربری سینما شود. این درحالی است که سینما بهمن رشت تا روز جمعه، ششم شهریور، فروش بسیار خوبی داشت و فیلم‌ها با استقبال مردم روبه‌رو بودند.» ایسنا

روایت

روایت اهدای ۱۰۰ جلد کتاب به کودکان آبادی‌های سخت‌گذر کرمان

قصه به کوه جفتان رسید

دانش‌آموزان آبادی‌های سخت‌گذر کوه جفتان در بخش شهداد اهدا کرد.

آبادی‌های کوه جفتان در بخش شهداد، از بالاتر از روستای کشتی‌تویه تا پیش از مورگ، پشت قله جفتان و در امتداد شرق به غرب قرار دارند؛ آبادی‌هایی که جاده و حتی آب بهداشتی ندارند. در آبادی‌های کوه جفتان مدرسه‌ای وجود ندارد و دانش‌آموزان این منطقه برای تحصیل به مدارس سیرج، کشتی‌تویه، چهارفرسخ و کرمان می‌روند.

بیشتر اهالی کوه‌جفتان عشایر هستند و خانواده‌هایی که دانش‌آموز دارند، با تعطیل شدن مدارس راهی این منطقه می‌شوند. کودکان در کوه جفتان به فعالیت‌هایی مانند چوپانی و کشاورزی مشغول‌اند.

مردم دامه، پس از سفر به آبادی‌های کوه جفتان و گفت‌وگو با کودکان، متوجه اشتیاق آنها به کتاب و آموزش شد.



تاریخ: ۱۳۹۸

پس از بازگشت، سراغ مدیرکل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمان رقتم و درخواست اهدای کتاب به این کودکان را مطرح کرد.

اکبر خدادادی از این پیشنهاد استقبال کرد و ۱۰۰ جلد کتاب داستان در اختیارشان گذاشت. تعدادی از کتاب‌ها را به‌تدریج از اول شهریورماه میان دانش‌آموزان کوه جفتان توزیع کردیم که این روزها برای انجام کارهای مدرسه به منطقه سرآسپا فرسنگی شهر کرمان و روستاهای شهداد آمده بودند. تعدادی را نیز همراه اهالی به آبادی‌های کوه جفتان بردیم و از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کودکان اهدا کردیم.

روز پنجشنبه، پنجم شهریورماه، ساعت چهار صبح به‌اتفاق رضا حسن‌شاهی و کیانوش احمدی از کرمان حرکت کردیم. پس از پیاده‌شدن از خودرو در بالاتر از روستای مورگ، که ۳۰ کیلومتری شهر کرمان، پیاده به سمت آبادی‌های کوه جفتان رفتیم. حوالی ظهر به آبادی پاتل بادامی رسیدیم. تعدادی از کتاب‌ها را به محمد زارعی اهدا کردیم. خوشحال شد. کتاب‌ها را به مادرش نشان داد و گفت: «همه را برایت می‌خوانم.» بقیه بچه‌های پاتل بادامی برای چرای گوسفندان رفته بودند. قرار شد محمد کتاب‌ها را به آنها بدهد.

سراغ رقیه را گرفتیم که کلاس چهارم است؛ اما او همراه پدرش برای چرای گوسفندان به تپه‌های آبادی درب چنار رفته بود. چند جلد کتاب را به محمد، برادر رقیه، اهدا کردیم. محمد کلاس اول را در سیرج خوانده بود و تازه از چرای گوسفندان کوچک و بزغاله‌ها برگشته بود. محمد بیش از همه، کتاب «مسابقه» را دوست داشت. وقتی علت را از او پرسیدیم، به تصویر دوچرخه روی جلد کتاب اشاره کرد. گفت دوست دارد دوچرخه‌ای داشته باشد تا بتواند همراه خواهرش با آن به مدرسه سیرج برود. در ادامه، پوچا زینلی را هم دیدیم که همراه باید به کلاس دهم برود. پوچا در یکی از هنرستان‌های کرمان ثبت‌نام کرده بود و همراه دایی‌اش، اکبر، گردوهای باغ حاج‌کبری، مادر بزرگش، را آبیاری می‌کرد.

حاج‌کبری جهانشاهی، مادر شهید جاویدالاثر حمید

جهانشاهی است. او حمید را در یکی از دستکندهای آبادی سنگ‌سا به دنیا آورده است.

به پوچا هم کتاب اهدا کردیم؛ از جمله کتاب «باغ‌کُنوش» که برای رده سنی بالای ۱۵ سال مناسب است. چند جلد کتاب هم به پدر و مادریهای دادیم که کودکان و نوه‌هایشان آنجا حضور نداشته‌اند.

عصر به گذرگاه و مسجد ابوالفضل (ع) رفتیم و شب را آنجا گذرانیدیم؛ مسجدی کوچک با دیوارهای سنگی و سقفی پوشیده‌از نی که زیر درخت چنار و گنابنه‌ای کهنسال در دل کوه‌قرار دارد و دو سال‌های سال محل برگزاری آیین‌های مذهبی بوده است.

۱۰ جلد کتاب به رضا حسن‌شاهی، بانی مسجد، اهدا کردیم تا کودکان و نوجوانانی که به مسجد می‌آیند، از آنها استفاده کنند. حسن حسنی هم به آنجا آمده بود؛ مردی با محاسن سفید، اما اراده‌ای قوی که خود را در شب جمعه به مسجد رسانده بود. به حسن آقا هم کتاب اهدا شد تا برای نوه‌هایش بخواند.

صبح جمعه از گذرگاه و دره پایین آمدیم و به چادر عشایری مهدی حسن‌شاهی رفتیم. خودش نبود و گوسفندان را به چرا برده بود. رقیه کنار مادرش بود و منتظر ما مانده بود. محمد ماجرا را برایش تعریف کرده بود.

کتاب‌های رقیه را هم به او اهدا کردیم. رقیه و محمد با هم رفتند، روی تنه خمیده درخت پرت پوت نشستند و شروع به خواندن کتاب‌ها کردند. پرنده‌های شاخه‌ها می‌پریدند و آواز می‌خواندند. صدای رودخانه و بادی که می‌وزید، کوه جفتان را زیباتر کرده بود.

حوالی ظهر مقداری زاج، که شبیه زرشک است، چیدم. رضا حسن‌شاهی و کیانوش احمدی به درخت‌هایشان آب دادند. ناهار را به بیکنند یا دستکند خوردیم. حسن حسنی کشتک و یادمجان درست کرده بود.

ساعت یک ظهر راه را بازشگشت را در پیش گرفتیم. در مسیر رقیه و محمد را دیدیم که بزغاله‌ها را به چرا آورده بودند و درباره داستان‌هایی که خوانده بودند، با هم حرف می‌زدند. محمد از آرزوی داشتن دوچرخه‌ای می‌گفت که عکسش را روی جلد کتاب دیده بود و قصه سفر به دور

دنیا را تعریف می‌کرد. رقیه هم می‌گفت: «اجازه بده قصه نجات مرغابی را تعریف کنم.»

برای ما دست تکان دادند و ما آمدمیم و آمدمیم تا به بالای کوه‌گرد چفتان رسیدیم. آفتاب غروب کرده بود.

بالای گذار، در مرتفع‌ترین نقطه، تلفن همراه آنتن داد. تماس گرفتیم و به خانواده‌ها گفتیم که برگشته‌ایم.

حسن حسنی گفت: «نگاه کن.» سمت شرق را نشان داد و گفت: «آنها چرگاه‌های شهداد هستند. آنجا هم باید کشتی‌تویه باشد. آبادی به آبادی بیاتابرسی به همین‌جاکه ایستاده‌ایم. حالا این سمت را ببین. آنها نور چراغ ماشین‌هایی هستند که در جاده‌ها مان به کرمان حرکت می‌کنند.» دوباره به سمت کوه جفتان و شرق برگشتم و لابه‌لای کوه‌ها دنبال چادر و بیکنند بچه‌ها گشتم. اما چیزی پیدا نبود. پیاده تا نزدیکی مورگن آمدمیم و بعد با خودرو به کرمان برگشتم. ساعت به ۹ شب نزدیک می‌شد که از کنار بلوار ۲۲ بهمن و ساختمان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گذشتیم. با خود گفتم امشب حتماً محمد و رقیه کنار کتاب‌های قصه و با خواندن قصه می‌خوانند؛ اما یاد آمد که برق ندارند. گفتم شاید قصه‌ها را در دهنشان مرور می‌کنند. امشب حتماً رقیه در خواب، مرغابی را نجات می‌دهد و محمد سوار دوچرخه‌ای می‌شود که عکسش را روی جلد کتاب دیده است.

شاید هم تصمیم بگیرند قصه‌های خودشان را بنویسند و نویسنده شوند.

آبادی‌های کوه جفتان در بخش شهداد، از بالاتر از روستای کشتی‌تویه تا پیش از مورگ پشت قله جفتان و در امتداد شرق به غرب قرار دارند
آبادی‌هایی که جاده و حتی آب بهداشتی ندارند

این خانه‌ها را نیز باران‌ده‌کشی و تغییرات دیگر دستخوش دگرگونی کرده‌اند؛ تغییراتی که چهره تاریخی کوچه‌ها و بناهای محله را مخدوش می‌کند. اما حتی این هم پایان ماجرا نیست. امروز، در کنار نگرانی درباره تخریب تدریجی بافت و بناهای تاریخی، موضوع سلامت ساکنان نیز به یکی از دغدغه‌های جدی محله تبدیل شده است. برخی کارگاه‌های پلاسازی با فعالیت خود، آلاینده‌هایی تولید می‌کنند که در صورت نبود تجهیزات مناسب تصفیه و کنترل، می‌توانند وارد محیط زندگی ساکنان شوند. از سوی دیگر، موضوع پساب حاصل از این فعالیت‌ها و احتمال ورود پساب‌های آلوده و آسیدی به جوی‌های محله، نگرانی دیگری است که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت.

وقتی یک فعالیت صنعتی و کارگاهی در دل یک بافت مسکونی و تاریخی شکل می‌گیرد، موضوع فقط تغییر کاربری یک خانه قدیمی نیست. این فعالیت می‌تواند به‌زمان بر هویت تاریخی محله، کیفیت زندگی ساکنان و سلامت محیط اثر بگذارد. بنابراین، نمی‌توان با مسئله صرفاً به‌عنوان یک موضوع صنفی یا اقتصادی برخورد کرد.

در نبود نظارت مؤثر کارگاه‌های پلاسازی دیگر فقط به تخریب تدریجی بافت و بناهای محله سنگلاج اکتفا نمی‌کنند؛ لالا نگرانی درباره سلامت اهالی نیز به این فهرست اضافه شده است.

سنگلاج فقط مجموعه‌ای از خانه‌های قدیمی نیست. این محله بخشی از حافظه تاریخی تهران است؛ محله‌ای که هنوز می‌تواند روایتگر بخشی از شکل‌گیری زندگی تهران قدیم باشد. اگر قرار باشد هر خانه تاریخی به انبار یا کارگاه تبدیل شود، هر نمای تاریخی با نرده و الحاقات تغییر کند و فعالیت‌های آلاینده بدون نظارت کافی در دل محله ادامه پیدا کنند، دیگر چه چیزی از این میراث برای آیندگان باقی می‌ماند؟

مسئله امروز سنگلاج فقط حفظ چند خانه قدیمی نیست؛ مسئله، حفظ یک محله تاریخی و هویت آن و در کنار آن، حفظ حق ساکنان محله برای زندگی در محیطی سالم و باکیفیت است.

اما چه شد که کارگاه‌های پلاسازی تا این اندازه آزادانه امکان پیدا کردند که هم هویت تاریخی سنگلاج را دستخوش تغییر کنند و هم سلامت و کیفیت زندگی اهالی محله را تحت تأثیر قرار دهند؟

پاسخ این پرسش را باید از مدیران شهری و متولیان میراث فرهنگی خواست؛ پیش از آنکه تخریب‌ها و تغییرات را نقطه‌ای بربسند که دیگر امکان بازگرداندن سنگلاج به هویت تاریخی خود وجود نداشته باشد.



پیام ما دیروز

گنجینه‌های سبز ایران

اوچیهه رضویان ا

اخبرنگارا



کهن‌داران تاریخ زنده‌ای هستند که هنوز نفس می‌کشند و سبز می‌شوند؛ ریشه‌هایشان سال‌هاست در خاک ایران دویده و شاخه‌هایشان در آسمان رشد کرده‌اند. کهن‌داران میراث سبز هستند.

سروها ازجمله این درختان قدیمی هستند؛ درختانی با قامتی افراشته که قرن‌ها در گوشه‌گوشه کشورمان رشد کرده‌اند و در فرهنگ ایرانی، از شعر و نقاشی گرفته تا نقش پارچه‌ها، گلیم‌ها و فرش‌ها، جای دارند.

نسل به نسل، ایستادگی این درختان را در برابر سرما و خشکی به چشم دیده‌ایم و حالا تعدادی از آن‌ها بیش از یک دوره تاریخی زنده مانده‌اند. سروهایی در ایران هستند که عمرشان به چند صد سال می‌رسد. یکی از مجموعه‌های کم‌نظیر، تالار سوو راور در روستای طرز استان کرمان است. این تالار یکی از قدیمی‌ترین تالارهای درختی جهان است؛ مجموعه‌ای از ۱۳ درخت چهارصدساله و یک پایه هشتصدساله که در دو ردیف هفت‌تایی کاشته شده‌اند. بر اساس پژوهش‌های «محسن جعفری»، پژوهشگر کهن‌داران، بلندترین این درختان ۳۷ متر ارتفاع دارد؛ سویی افراشته و سر به‌فلک کشیده. عبور نهر آبی از میان تالار، این سروقامتان، چشم‌اندازی کم‌نظیر آفریده است. این تالار بسیار قدیمی‌تر از سرو باغ اصفهان است که خود از نمونه رلین حدود ۵۰ سال و از نمونه پاریس حدود ۷۰ سال قدیمی‌تر است. حالا حساب کنید تالار سرو راور چه گنجینه‌ای برای کشورمان است. در کرمان، سرو مودار در نزدیکی روستای مودار، بالای شهرباک، هم کهن‌دار دیگری است. این سرو زربین حدود ۷۰۰ سال قدمت دارد و قطر تن‌اش باعث شده است مردم آن را «تالولوان ایران» بنامند؛ نامی که از شباهت تنه این درخت به تالولوان، درختی بومی و قطور با برگ‌های بزرگ در مناطق گوسیری، گرفته شده است.

حالا از کرمان به مشهد می‌رویم؛ جایی که کهن‌داری ۷۰۰ ساله قرار دارد و مردم محلی آن را «سرو فیانی» یا «سرو پیر» می‌نامند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.



آگهی دعوت شرکت اوج آسمان زاگرس
(سهامی خاص)

به شماره ثبت ۱۷۱۳۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۵۹۲۷۰
بدینوسیله از کلیه سهامداران با وکلای رسمی شرکت فوق دعوت به عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۶ ساعت ۰۹:۰۰ صبح در آدرس قانونی شرکت: استان لرستان، شهرک صنعتی شماره ۲، خیابان همت، پلاک ۱۰، اتاق جلسات تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانید.

دستور جلسه:

- ۱- انتخاب بازرسین
- ۲- انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و مدیران
- ۳- تعیین دارندگان حق امضا
- ۴- تصویب ترازنامه

هیئت‌مدیره

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری – سواری سمند ال‌ایکس، مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۳۹۹/۰۶/۱۶ به شماره شاسی: NAAC9C9CC6CF887907 به شماره پلاک ۲۵۵ ایران ۷۵ به نام داد عباس محازی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

جیرفت

آگهی مفقودی

جواز حمل اسلحه شکاری کابیر ۷/۹۲ به شماره سلاح ۱۷۰۵۶۹۰، مدل: گلنگندی به شماره‌سریال مجوز: ۱۵۸۹۵۳۹، نوع: گلوله‌زنی به تاریخ‌صدور ۱۳۹۹/۰۶/۱۶، ساخت: یوگسلاوی به نام محمدعلی فلاحی فرزند: قراغعلی به شماره ملی ۲۴۳۳۳۷۹۷۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

قارس